

یادداشت

بازارها سهمیه‌بندی می‌کنند

با افزایش تولید کالا‌های اساسی،قیمت‌های بازاری شروع به کاهش کرد و سهم مصرف از کالا‌های بازاری افزایش یافت و اهمیت کالا‌های سهمیه‌بندی‌شده در سبد مصرفی خانوار تنزل پیدا کرد؛به نحوی که قیمت‌گذاری و سهمیه‌بندی کالا‌ها به‌تدریج از میان رفت. به این ترتیب آزادسازی تدریجی قیمت‌ها که افزایش تولید را در پی داشت، با گسترش فقر و نارضایتی در چین همراه نشد. در شرایط دشوار کنونی، دولت ایران نیز به دنبال حل مشکل ناترازی‌هاست. در کوتاه‌مدت امکان احداث نیروگاه‌های جدید وجود ندارد و احداث نیروگاه‌های جدید نیز مشکل کمبود گاز در فصل‌های سرد را تشدید خواهد کرد. در چنین شرایطی آیا می‌توان حل مشکل را به دست سازوکار بازار سپرد؟ به طور مثال در چند ماه گذشته قیمت برق به شدت افزایش یافته و برای واحدهای صنعتی سه برابر شده ولی ناترازی‌ها تداوم یافته است. برق برای بسیاری از بنگاه‌ها نهاده تولیدی کم‌گشش است. دستگاه‌ها با برق کار می‌کند و گرمایش و سرمایش محیط با وسایل برقی انجام می‌شود. واحدهای اقتصادی عموماً در کوتاه‌مدت قادر به کاهش چشمگیر مصرف برق خود نیستند. استفاده از تکنولوژی‌هایی که در مصرف انرژی صرفه‌جویی می‌کنند عموماً به سرمایه‌گذاری‌های هنگفت و واردات ماشین‌آلات و تجهیزات پیشرفته نیازمند است که در شرایط تحریم بسیار دشوار شده است. به‌علاوه تأکید بر تداوم افزایش شدید قیمت برق ممکن است به خروج برخی از بنگاه‌های کوچک و متوسط از بازار و تشدید رکود بینجامد. در سال‌های گذشته مصرف بسیار بالای واحدهای تولید رمز ارزها بسیار مورد بحث قرار گرفته است. فارم‌های رسمی و غیررسمی رمز ارز، مصرف‌کنندگان عمده برق هستند. شناخت این مصرف‌کنندگان به سهولت امکان‌پذیر است. به نظر می‌رسد در شرایط تحریم و کمبود منابع انرژی کسب رمزآرز مورد توجه قرار گرفته و نسبت به عملکرد این واحدهای برمصرف سختگیری چندانی نمی‌شود. به همین دلیل این واحدها با قیمت‌های بسیار بالای تصاعدی تنبیه نمی‌شوند. در عمل هزینه کمبود برق به دیگر کسب‌وکارهای خصوصی و خانوارها تحمیل می‌شود. تا زمانی که تحریم‌ها ادامه دارند حل مشکل ناترازی از طریق کاهش تقاضا، با واردآوردن شوک به بنگاه‌ها و خانوارها از طریق افزایش شدید قیمت حامل‌های انرژی و جبران این افزایش از طریق پرداخت برانه نقدی به خانوارهای کم‌درآمد و متوسط نتیجه‌بخش نخواهد بود. چون قیمت واقعی حامل‌های انرژی به دلیل تداوم تورم بالا و افزایش نرخ ارز کاهش خواهد یافت. به نظر می‌رسد بهترین راهکار برای حل مشکل ناترازی در عرضه و تقاضای حامل‌های انرژی در کوتاه‌مدت ادامه سیاست تشویق مصرف‌کنندگان کم مصرف و تنبیه واحدهای برمصرف از طریق اعمال تعرفه‌های بلکنای است. در میان‌مدت نیز با پایان‌گرفتن تحریم‌ها و بهبود شرایط اقتصادی باید هم‌زمان با افزایش عرضه به تدریج قیمت‌های دستوری به سوی قیمت تعادلی افزایش یابد. در صنعت برق، علاوه بر بهسازی نیروگاه‌های موجود، استفاده از انرژی‌های پاک خورشیدی و بادی با توجه به شرایط اقلیمی ایران و بهره‌گیری از انرژی خورشید طی بخش بزرگی از سال در اولویت قرار دارد. برای تحقق این اهداف سرمایه‌گذاری‌های هنگفتی در صنعت نفت، برق و گاز باید انجام شود. در سال‌های اخیر علاوه بر کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس، پاکستان نیز با مشارکت چین سرمایه‌گذاری گسترده‌ای در پال‌های خورشیدی انجام داده است. اما چین به دلیل تحریم‌های آمریکا حاضر به سرمایه‌گذاری در ایران نیست. اقتصاددانان دولتی توانند مشکل تحریم‌ها را حل کنند. در عین حال اقتصاددانان نمی‌توانند سیاست‌گذاری کنند. انتخاب سیاست‌ها با تصمیم‌گیرندگان و سیاست‌گذاران در ارگان نظام سیاسی است. اقتصاددانان تنها می‌توانند هشدار دهند و توصیه کنند.

وفاق ملی- نگاه ملی- دولت ملی

…بیمه استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران است، بیوسته کوچک‌تر شده است و از این نظر حاکمیت دولت و نظام در گستره جغرافیای سیاسی ایران با فراگیر بودن دولت و تئوق آن بر محور همبستگی ملی انطباق کامل ندارد. بنابراین ضروری است که نقش و ظرفیت‌های بنیان و آشکار اقوام ایرانی و اقلیت‌های مذهبی در وحدت و هم‌گرایی ملی و تأمین امنیت ملی و حفظ استقلال و تمامیت ارضی ایران همواره به‌عنوان یک فرصت برای دولت متروکی و یک تهدید از سوی بیگانگان در دستور کار دولت قرار گیرد. از سوی دیگر برداردن مشروعیت دولت براساس یکی از اجزای تشکیل‌دهنده هویت ملی ایرانی به جای تأکید بر کلیت آن، ویژگی فراگیر دولت ایرانی را مخدوش می‌کند و به تضعیف پایه‌های وحدت و هویت ملی منجر می‌شود. این مسئله به‌ویژه درباره اعتقادات مذهبی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.

۲. دومین گام در این عرصه، جایگزینی نگاه فرهنگی به جای نگرش سیاسی و امنیتی به اقوام ایرانی و اقلیت‌های مذهبی است. محصول ایجابی این نگرش تکیه بر مشترکات فراوان فرهنگی برآمده از فرهنگ‌های بومی و محلی و جای‌دادن آنها در فرهنگ غالب ملی است که موجب تقویت بنیان‌های فرهنگی و دلبستگی اقوام ایرانی به یکدیگر و به دولت مرکزی در گستره جغرافیای سیاسی ایران و ارتقای هویت ملی و ایرانی و نهایتاً بازآفرینی وحدت ملی می‌شود. مسیری که دولت چهارم در هم‌ین مدت کوتاه در آن قرار گرفته است و گام‌های اندکی که برداشته، می‌تواند بر کسب تاریخی دولت-ملت غلبه کرده و به آفرینش اعتماد ملت به دولت که سرمایه بسیار بزرگی خواهد بود، دست یابد. به‌عنوان تکمیل نظریه دولت وفاق ملی توجه ویژه به جغرافیای فرهنگی ایران به‌عنوان دکنترین منطقه‌ای سیاست خارجی و همچنین امنیت ملی برای ایجاد پیوندهای فرهنگی بین اقوام ساکن در سرزمین فرهنگی ایران که بسیار گسترده از جغرافیای سیاسی ایران است، باید در دستور کار دولت قرار گیرد. پیامد چنین سیاستی گسترش ناوشسته مرزهای امنیتی ایران به فراتر از مرزهای جغرافیای سیاسی بلند و طولانی ساختن شعاع جغرافیای سیاسی ایران خواهد بود. تأکید بر وجوه مشترک جامعه ایرانی و احتجاب از دام‌زن به حساسیت‌های اختلاف‌برانگیز، باید از سیاست‌های کلان دولت وفاق ملی باشد. در پرتو چنین سیاستی بنیادهای فرهنگی و سیاسی خاصی که در طول تاریخ با مشارکت همه گروه‌های مختلف جامعه ایرانی شکل گرفته، نوعی هویت ملی به وجود آورده است که می‌تواند ویژگی فراگیر داشته باشد. این هویت ملی دربرگیرنده عناصر و اجزای مختلفی است که تنها در کلیت خود می‌تواند دربرگیرنده همه گروه‌های مختلف مذهبی و قومی جامعه ایرانی باشد، بنابراین دولت ایران نیز براساس و با تکیه بر چنین هویتی و مشارکت‌دادن همه اقشار جامعه ایرانی در آبادانی کشور است که می‌تواند یک دولت فراگیر محسوب شود. نهایتاً اختیارات دولت و امکانات دستگاه‌های اجرایی باید در مسیر اجرای برنامه‌های ساده و کم‌هزینه‌ای قرار گیرد که می‌تواند در بازآفرینی اعتماد و باور اقوام ایرانی و اقلیت‌های مذهبی در ایجاد وحدت ملی و تقویت همبستگی درون‌سرزمینی نقش ممتاز و فراگیری را ایفا کند. و سرانجام اینکه میراث مشترک همه ایرانیان، ایران عزیز و ملت سربلند آن است. «میراث ما ایران ماست و ایران ما میراث ماست».

از پان‌تورانیم‌س تا پان‌ترکیسم

پان‌ترکیسم در مراحل ابتدایی برآمدن تا دوره‌های آتی فعالیت خود، وجوهی از الحاق‌گری ازجمله درباره شمال غرب ایران، قفقاز، آسیای میانه، روسیه و چین و نیز شرق اروپا را هدف‌گذاری کرده است. درحالی‌که در سال‌های اخیر، خاورمیانه، قفقاز و آسیای میانه درگیر تحولات ژرف و گسترده‌ای شده و در جاتی از افراط‌گری مذهبی و تباری و قومی و زبانی در حال گسترش است و برخی دولت‌های منطقه در حال تشکیل اتحادیه‌های زبانی و فرهنگی هستند، شناخت فنی، عمیق و چندجانبه از ریشه‌های این تحولات، نیازمند دانش تاریخی گسترده‌ای است. کاوه بیات در این دوره سهم مهمی در نشر آگاهی‌های تاریخی درباره تحولات ایران، قفقاز، آناتولی و آسیای میانه در تاریخ معاصر داشته و دارد. هرچند این وظیفه نهاده‌ای کامدیک است که در این‌باره همت کنند. اما گویا نورآرکس درازدامن حاکم بر این مؤسسات و اولویت‌های دیگر، مانع از توجه مستمر به مباحث بنیادین و اساسی شده است. روایت سیر پان‌تورانیم‌س به سوی پان‌ترکیسم با ویژگی الحاق‌گرایانه آن، پدیده حساس و درخور توجهی است که همچنان درباره ابعاد تاریخی و امروزی آن باید به بررسی و تبیع پرداخت.

اداِمِه‌از صفحه اول

ک معمولاً موقیبت‌های سینمای ایران در حوزه فیلم‌های بلند داستانی چشمگیرتر است یا بیشتر به آن توجه می‌شود، اما به یقین ساخت فیلم مستند به‌خصوص در حوزه محیط زیست، کار دشواری است. اصلاً دغدغه ساخت مستند محیط زیست از کجا شروع شد؟

در سال ۷۸ که رسماً کارم را در این حوزه شروع کردم، محیط زیست عنوانی لوکس بود و تازه آثار جنگ تحمیلی و فشارهای اقتصادی بر مردم به هجوم توسعه‌گران به منابع طبیعی به جهت بهره‌برداری بی‌رویه با شعار اشتغال‌زایی و توسعه خودش می‌نشاند، این وقتی اسسم محیط زیست در سطح عام مطرح می‌شد، درک چندانی از این عنوان وجود نداشت یا بسیاری از تکنوکرات‌ها که در مسند قدرت بودند، در برابر آن موضع می‌گرفته و مدیران و کارشناسان در امور محیط زیست هم به صورت اقتضایی و نه اصولی و حرفه‌ای تصمیم‌گیری می‌کردند. البته بنا بر جو آن دوره و ترس از حواشی، سال‌ها مستندهای محیط‌زیستی را فیلم‌های حیات وحش نمایندگی می‌کرد و فیلم‌های آموزشی بسیار برای زندگی حیات وحش و اکوسیستم را توضیح می‌داد. این روند تا اواسط دهه ۸۰ ادامه داشت و تا سال ۸۵، ۸۶ من هم بر اساس همین الگوهای ساختاری و آگاهی‌مادرانه از جنس مستندهای علمی- آموزشی که در دنیا وجود داشت، روی همان محور حرکت می‌کردم.

بعد از سال ۱۳۸۵ که واژه کشورهای توسعه‌یافته و حضور در دهکده جهانی تبدیل به یک مفهوم و زبان مشترک شد و در خاورمیانه کاملاً شاهد این رشد بودیم، همه چیز در در این حوزه شکل عوض کرد و کم‌کم در ایران که با توجه به رشد بستر ایدئولوژیک، این مفهوم نیز در حال رشد ناسامان بود، رویکردهای منتقدانه با نگاه حفظ محیط زیست در میان فعالان محیط‌زیستی شکل گرفت و صدای افکار بهر بهر به سیاسیون و دولتمردان برای رعایت مؤلفه توسعه پایدار در پروژه‌ها و تصمیمات اجرایی بسیار شنیده شد و روزنامه‌نگاران و روزنامه‌ها پرچم‌دار این حوزه شدند و کم‌کم توانستند به کارشناسان و متخصصان اهل فن جرئت و جسارت سخن‌گفتن در رسانه‌ها داده و آنها را نیز با خود همراه کنند؛ چراکه متخصصان امر معتقد به مؤلفه توسعه پایدار بودند و بر این عقیده استوار که بی‌توجهی به این اثرات محیط‌زیستی بلندمدت برای آتیا رخ یاد، اما در مورد سرمایه‌های ملی صحبت می‌کنم؛ چراکه احساس می‌کنم سهم هرکدام از ما و فرزندان مان مختلفی برای آتیا هم یک به یک فرق در توسعه می‌شود و نظام‌های مختلفی در دنیا توسعه شکل می‌گیرد، اولین نکته آینده و ثروت آیندگان است و اینکه سهم ما از آینده این طبیعت چیست؟ و این خود پرسش بزرگی بود که در ذهن من هم شکل گرفت. در این مرحله دیگر محیط زیست لوکس نبود و اگر بپوسته ظاهری آن شکافته نمی‌شد و این رسالت را در خود نمی‌دیدم و درباره آن حرف نمی‌زدم. اتفاقاً همان آدم لوکس و به زعم من یک انسان کاملاً بی‌خاصیت بودم. از همین‌جا می‌خواهم به نکته دیگری اشاره کنم. من عمدتاً با بخش دولتی کار می‌کردم؛ چراکه معتقدم متولی هنر در کشور ما بخش دولتی است. محیط زیست هم خیلی دغدغه سرگرمی و تفریحی ندارد. از این منظر، به نظر هیچ متولّی‌ای بهتر از تلویزیون به‌عنوان یک دستگاه بالادستی و نظارتی برای ساخت آثار محیط‌زیستی با نگاه اجتماعی و اقتصادی و سیاسی نیست و البته باید اشاره کنم که آنجا هم قواعد دیگر محیط خودش را دارد و همه چیز خیلی پیچیده پیش می‌رود.

ک ساخت مستندهای محیط‌زیستی در خارج از ایران به‌شدت پرطرفدار است و اتفاقاً بسیاری از چهره‌های مطرح سینما در چنین بخشی سرمایه‌گذاری و مشارکت می‌کنند. درست برعکس کشور ما. وقتی این مستندها را خارج از مرزهای ایران با مخاطب غیرایرانی می‌بینید، با خودرها چطور است؟



گفت‌وگو با سعید نبی به بهانه موفقیت‌های اخیر بین‌المللی در حوزه مستندسازی

باید با زبان جهانی فیلم ساخت

شرق: فیلم مستند «ایستاده با گرگ» به کارگردانی مریم خدیوی و سعید نبی به‌تازگی تندیس مورایووف آمورسکی، قهرمان فداکار افسانه‌ای روسیه را به دلیل رویکرد این اثر در نمایش وجدان‌های بیدار، ایمان به زندگی و تجلی زیبایی دریافت کرده است. نبی معتقد است اگر بخواهیم در سطح جهانی دیده شویم، باید به‌عنوان فیلم‌ساز به موضوعی فکر کنیم که

کاملاً با شما موافقم. ببینید مستند جهان ما به روایت مورگان فریمن یا مستند محیط‌زیستی پس از سیل لنوآر دو دی‌کاپریو در دنیا چه کرد. من از سال ۲۰۰۴، ۲۰۰۵ در فستیوال‌های خارجی حاضر بوده‌ام و حتی در چند جشنواره جهانی سینمایی با سه یا پنج فیلم به صورت هم‌زمان در بخش نهایی و مسابقه حاضر بوده‌ام. متوجه هستم که در حوزه فیلم‌های محیط‌زیستی، هر دو، سه سال یک بار نگاه‌های جهانی مدام متفاوت می‌شود و دغدغه‌ها متأثر از رویکرد حفاظتی محیط‌زیستی کشورها و شعارهای سازمان ملل و تغییرات اقلیمی مدام در حال تغییر است. باید پذیریم در مجموع کشورهای آمریکایی، اروپایی و بسیاری از آسیایی‌ها از نظر رویکردهای اجرایی اهمیت به محیط زیست و احترام به آیندگان در این حوزه خیلی جلوتر از ما حرکت می‌کنند، شاید نزدیک به صد یا ۲۰۰ سال. باید به این نکته هم دقت کنیم که اساساً هر جشنواره بین‌المللی، منطق هم‌واردی که اشاره کردم، رویکرد فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خاص خودش و کشورش را دارد. با در نظر گرفتن همه این موارد و عقب‌ماندگی تکنولوژیکی و ادوات فیلم‌برداری که بسیار هم مهم هستند، اگر من در ایران می‌خواهم در سطح جهانی باشم و دغدغه‌های محیط‌زیستی در کشورم را مطرح کنم، باید به‌عنوان فیلم‌ساز به موضوعی فکر کنم که توانایی جهانی‌شدن و جلب توجه مردم جهان را دارد و باید آن را طوری انتخاب کنم که دغدغه بین‌المللی داشته باشد و اساساً با زبانی صحبت کنم که زبان بین‌المللی باشد و جهان را به تأمل درباره آن وادارد. چرا اصغر فرهادی موفق است؟ چون در کنار سواد و تکنیک فوق‌العاده، استعداد ذاتی و هوش سرشار، زبان بین‌الملل را فهمیده است. فیلم‌هایی می‌سازد که بسیار ساده اما در اوج سادگی بسیار پیچیده هستند. مرحوم کیارستمی چرا کارگردانی پیشرو بود؟ چون با زبان جهانی صحبت می‌کرد، سوزه انتخاب می‌کرد و آن را طوری درونی‌سینمایی‌اش می‌کرد. این را به مستندسازی می‌گویم که در شروع کار هستند؛ اگر به دنبال مطرح‌شدن در سطح جهانی هستیم، باید با زبان جهانی فیلم بسازیم، سوزه‌ها را آن‌قدر آتالیز کنیم که بسیار خاص انتخاب شوند و از اینکه جهان درون‌مان را با زبان بین‌الملل اما کاملاً بومی بیان کنیم، تنرسیم. اجازه دهید به نکته دیگری هم اشاره کنم. مثلاً در کشور ما، شکار و شکارچی یک دغدغه است اما در دنیا من این را دغدغه ندیدم یا در حفاظت از جنگل، ویلاسازی که اینجا تبدیل به بحران محیط‌زیستی شده است، به همین شکل و ساختار رتال در خارج از ایران اصلاً دغدغه نیست، مگر آنکه ساختار آن‌قدر دراماتیک باشد که جلب توجه کند. همین موضوع هم برای مؤلفه محیط‌بان و جنگل‌بان که حافظ طبیعت هستند، صدق می‌کند و دغدغه جهانی است که البته مهم است قصه در مستند چطور شکل گرفته و زندگی و روح آن در فیلم چطور پیش می‌رود و در نهایت فیلم چه پیام و راهکاری را ارائه می‌کند. باید این توضیح را هم بدهم که مستندهای محیط‌زیستی ما در دنیا بد دیده نمی‌شود، اما من معتقدم رمز بهتر مطرح‌شدن مستندهای محیط‌زیستی ما این است که باید با زبان بین‌الملل صحبت کنیم و فیلم با قصه‌ای بسیار جذاب و تکنیکال ساخته و پرداخته شود.

این را هم اشاره کنم که شاکله فستیوال‌های سینمایی دنیا، به دنبال فیلم‌های سیاه نیستند، بلکه این نکته مهمی است که به دنبال امید، روشنائی و ارائه راهکار در موضوعات بومی هستند. به همین دلیل هم هست که در دوران برگزاری بخش مسابقه جشنواره علاوه بر اکران سینمایی، فیلم‌ها را در بازارهای تجاری مهم که پرتردد هستند، مدارس و دانشگاه‌ها، ادارها و با دعوت از سیاسیون و دولتی‌هایشان در حوزه‌های مختلف صنعتی و فرهنگی و… اکران می‌کنند. اجازه دهید در پایان این سؤال از اشک بسیاری از مخاطبان ایستاده با گرگ با تشویق‌متمند در پایان فیلم در فستیوال‌های بین‌المللی سینمایی دنیا بگویم که من را متحول کرد. یا از سؤال‌های بسیاری از منتقدان و روزنامه‌نگاران درباره سرنوشت محیط‌بان فیلمم که در روسیه، چین، اسپانیا و هند پرسیدند آیا مراقب او هستی که با آرامش زندگی کرده و ایده‌ها و دغدغه‌هایش را پیاده کند؟ و در آخر خبرنگار تلویزیون روسیه که از من پرسید آیا برای سلامتی و بهبود و درمان این محیط‌بان به فکر هستی و چقدر این فیلم در تدوین قوانین محیط‌زیستی مؤثر بوده است؟ یا خبرنگار cctv تلویزیون دولتی چین که یک گفت‌وگوی اختصاصی ۴۵دقیقه‌ای را به این فیلم اختصاص داد و با تأثیر این فیلم می‌گفت و می‌پرسید.

ک از مجموعه مستند تنهایی و برنامه درنگ تنهایی که بعد از آن پخش می‌شد و به تحلیل سوزه‌ها و چالش‌های مهم محیط‌زیستی روز کشورها همراه با سیاسیون و مدیران دولتی و قضائی حاضر بوده‌ام و حتی در چند جشنواره جهانی سینمایی با سه یا چهار فیلم به صورت هم‌زمان در بخش نهایی و مسابقه حاضر بوده‌ام. متوجه هستم که در حوزه فیلم‌های محیط‌زیستی، هر دو، سه سال یک بار نگاه‌های جهانی مدام متفاوت می‌شود و دغدغه‌ها متأثر از رویکرد حفاظتی محیط‌زیستی کشورها و شعارهای سازمان ملل و تغییرات اقلیمی مدام در حال تغییر است. باید پذیریم در مجموع کشورهای آمریکایی، اروپایی و بسیاری از آسیایی‌ها از نظر رویکردهای اجرایی اهمیت به محیط زیست و احترام به آیندگان در این حوزه خیلی جلوتر از ما حرکت می‌کنند، شاید نزدیک به صد یا ۲۰۰ سال. باید به این نکته هم دقت کنیم که اساساً هر جشنواره بین‌المللی، منطق هم‌واردی که اشاره کردم، رویکرد فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خاص خودش و کشورش را دارد. با در نظر گرفتن همه این موارد و عقب‌ماندگی تکنولوژیکی و ادوات فیلم‌برداری که بسیار هم مهم هستند، اگر من در ایران می‌خواهم در سطح جهانی باشم و دغدغه‌های محیط‌زیستی در کشورم را مطرح کنم، باید به‌عنوان فیلم‌ساز به موضوعی فکر کنم که توانایی جهانی‌شدن و جلب توجه مردم جهان را دارد و باید آن را طوری انتخاب کنم که دغدغه بین‌المللی داشته باشد و اساساً با زبانی صحبت کنم که زبان بین‌المللی باشد و جهان را به تأمل درباره آن وادارد. چرا اصغر فرهادی موفق است؟ چون در کنار سواد و تکنیک فوق‌العاده، استعداد ذاتی و هوش سرشار، زبان بین‌الملل را فهمیده است. فیلم‌هایی می‌سازد که بسیار ساده اما در اوج سادگی بسیار پیچیده هستند. مرحوم کیارستمی چرا کارگردانی پیشرو بود؟ چون با زبان جهانی صحبت می‌کرد، سوزه انتخاب می‌کرد و آن را طوری درونی‌سینمایی‌اش می‌کرد. این را به مستندسازی می‌گویم که در شروع کار هستند؛ اگر به دنبال مطرح‌شدن در سطح جهانی هستیم، باید با زبان جهانی فیلم بسازیم، سوزه‌ها را آن‌قدر آتالیز کنیم که بسیار خاص انتخاب شوند و از اینکه جهان درون‌مان را با زبان بین‌الملل اما کاملاً بومی بیان کنیم، تنرسیم. اجازه دهید به نکته دیگری هم اشاره کنم. مثلاً در کشور ما، شکار و شکارچی یک دغدغه است اما در دنیا من این را دغدغه ندیدم یا در حفاظت از جنگل، ویلاسازی که اینجا تبدیل به بحران محیط‌زیستی شده است، به همین شکل و ساختار رتال در خارج از ایران اصلاً دغدغه نیست، مگر آنکه ساختار آن‌قدر دراماتیک باشد که جلب توجه کند. همین موضوع هم برای مؤلفه محیط‌بان و جنگل‌بان که حافظ طبیعت هستند، صدق می‌کند و دغدغه جهانی است که البته مهم است قصه در مستند چطور شکل گرفته و زندگی و روح آن در فیلم چطور پیش می‌رود و در نهایت فیلم چه پیام و راهکاری را ارائه می‌کند. باید این توضیح را هم بدهم که مستندهای محیط‌زیستی ما در دنیا بد دیده نمی‌شود، اما من معتقدم رمز بهتر مطرح‌شدن مستندهای محیط‌زیستی ما این است که باید با زبان بین‌الملل صحبت کنیم و فیلم با قصه‌ای بسیار جذاب و تکنیکال ساخته و پرداخته شود.

این را هم اشاره کنم که شاکله فستیوال‌های سینمایی دنیا، به دنبال فیلم‌های سیاه نیستند، بلکه این نکته مهمی است که به دنبال امید، روشنائی و ارائه راهکار در موضوعات بومی هستند. به همین دلیل هم هست که در دوران برگزاری بخش مسابقه جشنواره علاوه بر اکران سینمایی، فیلم‌ها را در بازارهای تجاری مهم که پرتردد هستند، مدارس و دانشگاه‌ها، ادارها و با دعوت از سیاسیون و دولتی‌هایشان در حوزه‌های مختلف صنعتی و فرهنگی و… اکران می‌کنند. اجازه دهید در پایان این سؤال از اشک بسیاری از مخاطبان ایستاده با گرگ با تشویق‌متمند در پایان فیلم در فستیوال‌های بین‌المللی سینمایی دنیا بگویم که من را متحول کرد. یا از سؤال‌های بسیاری از منتقدان و روزنامه‌نگاران درباره سرنوشت محیط‌بان فیلمم که در روسیه، چین، اسپانیا و هند پرسیدند آیا مراقب او هستی که با آرامش زندگی کرده و ایده‌ها و دغدغه‌هایش را پیاده کند؟ و در آخر خبرنگار تلویزیون روسیه که از من پرسید آیا برای سلامتی و بهبود و درمان این محیط‌بان به فکر هستی و چقدر این فیلم در تدوین قوانین محیط‌زیستی مؤثر بوده است؟ یا خبرنگار cctv تلویزیون دولتی چین که یک گفت‌وگوی اختصاصی ۴۵دقیقه‌ای را به این فیلم اختصاص داد و با تأثیر این فیلم می‌گفت و می‌پرسید.

خبربرگزیده

آخرین خبرها از دوره‌های آموزشی سینمای جوان

ایستاد، معاون آموزش و پژوهش انجمن سینمای جوانان ایران از افزایش ثبت‌نام علاقه‌مندان به دوره جامع فیلم‌سازی انجمن خیر داد و گفت: دوره جامع فیلم‌نامه‌نویسی را طراحی کردیم و در حال طراحی دوره جامع مستند نیز هستیم.
عالیه هاشمی، معاون آموزش و پژوهش انجمن سینمای جوانان ایران، ضمن اشاره به برگزاری آزمون دوره جامع فیلم‌سازی سال ۱۴۰۳ عنوان کرد: امسال تمام دفاتر انجمن سینمای جوانان آزمون فیلم‌سازی را برگزار کردند یا در جریان برگزاری آن هستند. امسال دوهزارو ۵۰۰ نفر در این آزمون شرکت کردند و این آمار نسبت به سال گذشته رشد خوبی داشته و در چند سال اخیر اولین سالی است که تمامی دفاتر انجمن این آزمون را برگزار کردند. وی ادامه داد: امسال برخی از دفاتر به دلیل استقبال بیش از ظرفیت دوره جامع فیلم‌سازی، علاقه‌مندانی را که موفق به ثبت‌نام در این دوره نشدند، جذب دوره فیلم‌سازی تعاملی می‌کنند. این دوره برای کسانی است که تصمیم دارند در مدت‌زمان کوتاه‌تری دوره تخصصی سینما را آموزش ببینند. دوره تعاملی و کوتاه‌مدت فیلم‌سازی استادمحور است و به علاقه‌مندان کمک می‌کند تا در کمتر از سه، چهار ماه بتوانند با دنیای فیلم‌سازی آشنا شوند و در پایان دوره نیز فیلم خود را زیر نظر استاد اصلی دوره بسازند.

معاون آموزش انجمن سینمای جوانان با اشاره به تأثیرات نشست‌های روز کشورها همراه با سیاسیون و مدیران دولتی و قضائی در جشنواره فیلم کوتاه تهران ۲۰۲۱ در جشنواره فیلم کوتاه تهران تصریح کرد: ۲۰ نشست تخصصی که در چهل‌ویکمین جشنواره فیلم کوتاه تهران برگزار شد، تعداد متقاضیان و علاقه‌مندان به دوره‌های آموزشی در سینمای جوان را افزایش داد. این نشست‌های تخصصی درواقع معرف آموزش در جشنواره است و این باعث می‌شود علاقه‌مندان بیشتری جذب دوره جامع فیلم‌سازی شوند. همچنین برگزاری باکیفیت جشنواره فیلم کوتاه و حضور فیلم‌سازان جوان یا فیلم‌اولی باعث شد تا علاقه‌مندان بیشتری انجمن سینمای جوانان را برای شروع مسیر فیلم‌سازی انتخاب کنند.



هاشمی اظهار کرد: انجمن سینمای جوانان علاوه بر برگزاری دوره جامع فیلم‌سازی، دوره‌های مختلف و مرتبط با فیلم‌سازی را نیز برای علاقه‌مندان برگزار می‌کند. در حال حاضر با توجه به اهمیت بخش عکس و نگاه جدیدتر انجمن به حوزه عکاسی، بسیاری از دفاتر در کنار دوره جامع فیلم‌سازی، دوره جامع عکاسی را نیز برگزار خواهند کرد. دوره جامع عکاسی به مدت شش ماه به صورت تخصصی عکاسانی را برای ورود به بازار کار آموزش خواهد داد. این مدیر انجمن سینمای جوانان خبر از طراحی دوره‌های تخصصی و جدید را گفت. ما در انجمن سینمای جوانان در حال فراهم‌کردن شرایط برای معرفی دوره جامع فیلم‌نامه‌نویسی هستیم که به صورت تخصصی و بلندمدت به آموزش فیلم‌نامه‌نویسی می‌پردازد. بسیاری از علاقه‌مندانی که جذب انجمن می‌شوند، به فیلم‌نامه‌نویسی علاقه دارند؛ به همین دلیل تصمیم‌گرفتم این دوره جامع و بلندمدت را طراحی کنیم. علاوه بر دوره جامع فیلم‌نامه‌نویسی، طراحی دوره جامع مستند را نیز در دستور کار داریم تا دوستان علاقه‌مند به سینمای مستند بتوانند به صورت تخصصی این دوره را دنبال کنند.

هاشمی در پایان تأکید کرد: علاقه‌مندانی که از دوره جامع فیلم‌سازی جا مانده‌اند و امسال نتوانستند در این دوره شرکت کنند، به فراخور علاقه خود می‌توانند در دوره‌های تک‌درس مشاغل سینمایی «کوتاه‌مدت» یا دوره‌های جامع تخصصی شرکت کنند.